

معرفی نسخه خطی منحصر به فرد دیوان فارسی شاه حاتم دهلوی

به کوشش: مختارالدین احمد[♦]

ترجمه: سید حسن عباس*

یکی از معاصران شاه حاتم دهلوی (م: ۱۱۹۷ هـ) شیخ غلام مصحفی همدانی (م: ۱۲۴۰ هـ) ذکر دیوان فارسی شاه حاتم را چنین آورده است:

”در فارسی هم دیوانی مختصری به قدر چهار جزء به طور متأخرین بیاض فرموده“^۱.

نسخه‌ای از آن به خط شاه حاتم در روزگار محمد حسین آزاد (مؤلف آب حیات) وجود داشت و او دیده بود. آزاد می‌نویسد:

”شاه حاتم یک دیوان فارسی هم دارد، اما بسیار مختصر. من دیده‌ام. نوشته ۱۱۷۹ هـ و به خط خود وی بود. غزل ۹۰ صفحه. رباعی و غیره و غیره ۶ صفحه“^۲.

حسرت موهانی در مقاله خود که درباره شاه حاتم نوشته بود، دیوان فارسی وی را نایاب گفته است^۳. و دکتر محی‌الدین قادری زور مصنف «سرگذشت حاتم» نیز نتوانسته نسخه‌ای از آن را به دست بیاورد. اما این ناپیدا نیست و نسخه‌ای از آن در کتابخانه

♦ استاد بازنشسته بخش عربی، دانشگاه اسلامی علیگره، علیگره.

* دانشیار بخش فارسی دانشگاه هندوی بنارس، واراناسی.

۱. مصحفی همدانی امروهوی، شیخ غلام: عقد ثریا، مرتبه مولوی عبدالحق و معتمد اعزازی، ۱۹۳۴ م، ص ۲۳.

۲. آزاد دهلوی، شمس‌العلما مولانا محمد حسین: آب حیات، مطبع کریمی، لاهور، ص ۱۹-۱۱۸.

۳. حسرت موهانی: اردوی معلی، علیگره، نوامبر ۱۹۰۹ م.

۴. زور قادری، دکتر محی‌الدین: سرگذشت حاتم، اداره ادبیات اردو، حیدرآباد، ۱۹۴۴ م، ص ۱۰۰.

[مولانا آزاد] دانشگاه اسلامی علیگره در ذخیره منیر موجود است. شاه منیر عالم (غازی پوری) ذخیره کتاب‌های خطی خود را به دانشگاه اسلامی علیگره اهدا کرده بود، بدین ترتیب این نسخه به علیگره رسید.^۱

بر پیشانی نسخه خطی دیوان فارسی شاه حاتم عبارت «دیوان حاتم اصفهانی» نوشته شده است و مالک یا صاحب نسخه وقتی که در سال ۱۹۱۶ م نسخه را صحافی کرده او نیز در تقلید آن بر ظهر کتاب عبارت یا کلمات، حاتم اصفهانی، را به حروف طلایی منقش گردانید. بدین ترتیب مدت‌ها کسی متوجه نشد. راقم سطور در ۱۹۴۵ م برخی کتاب‌های ذخیره منیر را دیده، آن وقت این دیوان را نیز دیده بودم اما به خاطر عبارت «حاتم اصفهانی» من هم توجهی نکردم. پس از آن بار

او در شاعران فارسی گو، طرز صائب را بسیار می‌پسندید، لذا هرچه به زبان فارسی گفته است، در رنگ صائب گفته است.

دیگر یکی از کتاب‌های این ذخیره «تذکره میخانه» را احتیاج داشتم. وقتی «تذکره میخانه» را می‌دیدم، نگاهم یک‌بار دیگر بر «دیوان حاتم» افتاد که در همان‌جا در قفسه بود. آن را برداشتم و ترقیمه یا کلفون آن نسخه خطی را خواندم، دیدم که این دیوان حاتم اصفهانی نیست، بلکه دیوان شاه حاتم دهلوی است که تا آن وقت نایاب بوده. عبارت ترقیمه این است:

«به تاریخ بیست و نهم رجب‌المرجب سنه ۲۳ جلوس والا شاه عالم بهادر بادشاه غازی خلدالله ملکه موافق ۱۱۹۵ هجری مقدس، دیوان تصنیف ظهورالدین حاتم المخاطب به «دیوان‌زاده» کاتبه مکنند سنگه فارغ کمترین شاگردان این جناب غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه و السلام و الاکرام».

کاتب نسخه دیوان حاتم یکی از شاگردان وی، لالا مکنند سنگه فارغ دهلوی است که در ۱۱۹۵ هجری در حیات شاعر نسخه را کتابت کرده است. نسخه بیشتر صحیح و

۱. ذخیره منیر کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره، شماره ۱۲/۵.

کتابت روشن است اما از اشتباه یکسر دور نیست^۱. برخی جاها کاتب نتوانسته است که نسخه منقول عنه را بخواند، لذا «نقل مطابق اصل» کرده است و بعضی جاها را ساده گذاشته است^۲. احتمال دارد که نسخه اصل نیز همین‌طور بوده. کسی این نسخه را خوانده و اغلاط را درست کرده است. نمونه تصحیحات چنین است:

اصل:

در جهان فنا نیست است هستی ما

تصحیح:

در این جهان فنا نیستی ست هستی ما

اصل:

بس که زد طوفان چشمش موج در گلزارها

تصحیح:

بس که زد طوفان جنبش موج در گلزارها

اصل:

عمری اگر به گوشه عزلت نشستنی

تصحیح:

عمری اگر به گوشه عزلت نشستنی ست

همچنین مصرع دوم از بیت زیر:

صیاد فکر دانه و دام این قدر چرا ما صید مرده‌ایم جلوس قفس نه‌ایم

در هامش بدین صورت ضبط نموده شده است:

صیدیم مرده زینت دام و قفس نه‌ایم

۱. حاتم دهلوی، شیخ ظهورالدین محمد (م: ۱۱۹۷ هـ): دیوان حاتم (خطی) ۴۶ الف و ب - وعده، به صورت واعده، و مصلی، به صورت مصله، نوشته است. علاوه بر این دیگر اشتباهات املائی نیز دیده می‌شود.
۲. حاتم دهلوی، شیخ ظهورالدین محمد (م: ۱۱۹۷ هـ): دیوان حاتم، ۸ ب، ۱۴ الف، ۱۸ الف، ۱۹ ب، ۳۹ الف، ۴۳ الف، ۴۳ ب و ۴۷ الف.

این تصحیحات یا تصرفات یا ترمیمات به همان خط است که در آغاز دیوان، عبارت، دیوان حاتم اصفهانی، رقم زده شده است، لذا آن را نمی‌توان به شاعر یا مصنف نسبت داد.



آغاز: دیوان حاتم دهلوی در ذخیره منیر عالم

نسخه دیوان حاتم دهلوی دارای ۵۲ برگ و هر صفحه ۱۵ سطری است. پس از هر غزل یا رباعی جای یک سطر خالی گذاشته شده است. تفصیل محتویات نسخه چنین است:

غزل ۲۳۴؛ رباعی ۲۲؛ فرد ۱۶؛ مثنوی ۱.

غزلیات ردیف‌وار آمده است. از برگ ۲ الف تا ۴۹ الف غزلیات، از برگ ۴۹ الف تا ۵۱ الف رباعیات، از برگ ۵۱ ب تا ۵۳ ب مثنوی در وصف قهوه و بعد از آن از برگ ۵۱ الف تا ۵۱ ب فردیات آمده است.

کتاب نسخه لالا مُکُنْد سَنگَه متخلّص به «فارغ» از ساکنان دهلی و از مریدان شاه فخرالدین دهلوی بود. قاسم می‌نویسد:

«هندونزادی است اما مطیع‌الاسلام»^۱.

و نساخ گفته است:

«دین اسلام را قبول کرده بود»^۲.

اما این لازم نبوده که تبدیل مذهب کرده باشد. تذکره‌نویس عظیم‌آبادی، وجیه‌الدین عشقی در حدود ۱۲۱۵ هجری می‌نویسد:

«الحال در شاهجهان‌آباد به پیشه وکالت اوقات خود را به سر می‌برد»^۳.

از گفته حکیم قدرت الله قاسم به دست می‌آید که او قبلاً در «توشک خانه حضور سراپانور» متصدی بود، سپس از دهلی به بریلی رفت و در زمان تألیف تذکره در همان جا بود. باید توجه داشت که سال تألیف تذکره مجموعه نغز ۱۲۲۱ هجری است. نواب اعظم‌الدوله سرور دهلوی (م: ۱۲۵۰ ه) وقتی ترجمه وی را می‌نوشت او در بریلی سکونت داشت.^۴

عشقی درباره شعرگویی وی می‌نویسد:

«موزون طبع از شاگردان میان حاتم، کلامش چندان پختگی ندارد».

۱. قاسم دهلوی، حکیم قدرت الله خان: مجموعه نغز (تألیف ۱۲۲۱ ه)، ۳۲/۲.

۲. نساخ کلکته‌ای، مولوی عبدالغفور خان بهادر: سخن شعرا، لکهنو، ۱۹۸۲ م، ص ۳۵۵.

۳. عشقی عظیم‌آبادی، شیخ وجیه‌الدین پسر غلام حسین مجرم: تذکره عشقی (تألیف: ۱۲۱۵ ه)، ۱۳۵/۲.

۴. سرور دهلوی، نواب اعظم‌الدوله (م: ۱۲۵۰ ه): عمده متخبه، ص ۴۷۹.

اقا سرور شعر وی را می ستاید و می گوید:
 "اشعار خوب می گوید."



انجام: دیوان حاتم دهلوی
 مکتوبه مکند سنگه «فارغ» - شاگرد حاتم دهلوی

خوب چند ذکا^۱ و نساخ^۲ وی را صاحب دیوان گفته‌اند اما به‌طور قطع نمی‌توان گفت که نساخ، دیوانش را دیده باشد. در دفتر یادداشت‌های خودم نوشته‌ام که "دیوان به‌خط مصنف موجود است". اما نمی‌دانم من دیوانش را کجا دیده بودم یا مأخذ و منبع این اطلاع چه بوده است. به‌رحال دیوانی به‌دستخط مکنند سنگه فارغ موجود است و دیوان مزبور که گزیده اشعار فارسی استاد وی یعنی شاه حاتم دهلوی می‌باشد، در حال حاضر در دست داریم.

شاه حاتم دهلوی در دیباچه دیوان‌زاده خود جایی که درباره آغاز شعرگویی خود سخن گفته است، در مورد فارسی‌گویی خود چنین اشاره کرده است:

"فقیر حاتم از سنه یکهزار و یکصد و بست و هشت تا یکهزار و یکصد و شصت و نه که چهل باشد، نقد عمر دین فنّ صرف نموده، هنوز تربیت طلب و جای استاد خالی دارد و در شعر فارسی پیرو میرزا صائب است و در ریخته (اردو) ولی را استاد می‌داند."

از این گفته حاتم دهلوی، مؤلف «سرگذشت حاتم» دکتر محی‌الدین قادری زور به‌این نتیجه رسیده است که "حاتم پیش از اردو به‌شعر و سخن به‌فارسی توجه مبذول کرده و در زبان فارسی یک دیوان نیز گردآورده بود". اما با توجه به دیوان فارسی حاتم دهلوی، اظهارات دکتر زور به‌تصدیق نمی‌رسد، بلکه بیتی در دیوان فارسی حاتم دهلوی دیده می‌شود که از آن به‌دست می‌آید که او دیوان فارسی خود را پس از دیوان اردو، جمع و ترتیب نموده است. بیت این است:

کرده‌ام حاتم چو دیوان در زبان ریخته می‌توان در فارسی هم کرد دیوانی دگر

درباره گردآوردن دیوان فارسی به‌طور قطع و یقین چیزی بیشتر از این نمی‌توان گفت اما مولانا محمد حسین آزاد که دیوان فارسی به‌خط حاتم مکتوبه ۱۱۷۹ هجری را دیده بود، اگر همین تاریخ را زمان ترتیب دیوان فارسی حاتم فرض کنیم، می‌توان گفت که حاتم دهلوی در ۱۱۷۹ هجری در ۶۸ سالگی دیوان فارسی خود را جمع‌آوری کرده

۱. طفیل احمد: یادگار شعرا، اشپرنگر، ص ۱۵۱.

۲. نساخ کلکته‌ای، مولوی عبدالغفور خان بهادر: سخن شعرا، لکهنو، ۱۹۸۲ م، ۳۵۵.

بود. و در این سن اگر او مضامین و مطالب همچون کناره‌کشی از علایق دنیوی و جاه و منصب را در شعرهای خود بسیار آورده است، باعث تعجب و شگفتی نیست، می‌گوید:

درین پیرانه سالی طرفه حالی دارم ای حاتم

غریبم، بی‌کسم از خاطر یاران فراموشم

او در شاعران فارسی‌گو، طرز صائب را بسیار می‌پسندید، لذا هرچه به‌زبان فارسی گفته است، در رنگ صائب گفته است. دربارهٔ پیروی از طرز صائب، خود در دیباچهٔ دیوان‌زاده اشاره نموده است و تذکره‌نویسان معاصر نیز اشاره به طرز سخن صائب دارند. مصحفی می‌نویسد:

”دو چار جزء مسوودهٔ شعر فارسی هم به‌طور صائب داشت.“

در دیوان فارسی حاتم، سه تضمین از شعر صائب دیده می‌شود. در اردو نیز این رنگ صائب به‌خوبی نمودار است. حداقل سه غزل در دیوان اردوی وی موجود است که بر غزل صائب سروده شده است.

آغاز:

هم چو نی از سوز دل آتش بجان داریم ما ناله‌ها در کوچه‌های استخوان داریم ما

پایان:

به‌رنگ آمیزی خویت نثارم غلامم خواندی و آزاد کردی

در آخر دیوان فارسی، مثنوی در وصف قهوه، آمده است که با این بیت شروع می‌شود:

زهی بزمی که نامش گشت مشعل فلک شد قهوه پرخورشید منقل

در ابیات زیر اشاره‌ای به معاصرین خود دارد.

مردی که به‌کار حق چو مردان دیدم در کارِ خلائق همه احسان دیدم

آن وصف که در حضرت انسان تابد در طینت یعقوب علی خان دیدم

*

حاتم از بهر احتیاج بس است عمده‌الملک امیر خان ما را

*

فیض نواب معتمدالدوله حاتم از بس که بر سرکار است

*

عام از فیض نگاه معتمدالدوله به من

در حالات شهد شیرین است گویا آب نهر

*

حاتم از فیض نگاه سید بادل علی قطره بوده بحر گشتم دستگاهی یافتم

*

چه وصف قهوه حاتم بهر احباب به نظم آورد حسب الامر نواب

*

امیر صاحب تدبیر و فرهنگ خطایش محسن الملک و ظفر جنگ

در دیوان حاتم تضمین‌هایی بر مصراع‌های صائب، طالب‌املی و یک استاد قدیم فارسی دیده می‌شود.

حاتم به قول حضرت صائب به دور چرخ از آفتاب رنگ نه بارد ستاره‌ام

*

جنون شد تازه حاتم تا شنیدم مصرع صائب

«توهم یک حلقه افزودی به زنجیر من ای قمری»

*

حاتم به قول حضرت طالب درین جهان «برقیم لیک آفت محصول کس نه ایم»

*

حاتم آن چشم نظر باز بقول صائب

«گاه در خواب و گهی مست و گهی مخمور است»

*

مصرع استاد حاتم می‌زند ناخن به دل «ای سرانگشت فندق بندد آه از دست تو»

از اشعار زیر مذاق و افتادگی طبع وی و نیز برخی از نظرات حاتم دهلوی را

می‌توان به دست آورد.

در کنج فقر حاتم همّت بلند باید گر دل غنی نباشد سلطان هم گدا هست

*

دولتی نیست به جز طبع بلند حاتم از منصب و شان فارغ باش

*

اهل دل را جز قناعت نیست جمعیت دگر هر گدایی را به کنج فقر شاهی یافتم

*

مدام از گردش دوران خوشا حال تو ای حاتم

نه فکر جاه و منصب نی غم جاگیر و املاکی

*

کارسازی بخدا خدمت درویشان است باعث برکت دنیا قدم ایشان است

*

شادی و غمناکی روشن دلان در یک قیاس

در لباس گریه همچون شمع خندانیم ما

*

جست و جوی رزق حاتم آبرو برباد داد کاش بندد کاهلی مست حنا در پای ما

*

حاتم ز گرد کلفت این منزل خراب یکسان گذشت قافله صبح و شام ما

*

قطع این بادیه از پای هوس ممکن نیست

حاتم از همّت خود بال و پیری پیدا کن

*

جفاپردازی بیگانگان حاتم چه می‌پرسی که من از اقربا در سینه دارم نیش عقرب‌ها

*

یک قلم ناآشنای معنی بیگانه‌اند شعر فهمی‌های یاران خوب می‌دانیم ما

*

جزو اوراق پریشان مذاهب نشوی صلح کل مشرب خود ساخته خوشنود مرا

*

هرکرا دیدم به‌عالم در غم و فکر زر است

در حقیقت طالب دنیا ز سگ هم کمتر است

غیر از این نسخه خطی دیوان فارسی حاتم دهلوی بنده اطلاعی ندارم که نسخه دیگری هم وجود دارد. با توجه به نسبت آن به یک شاعر قدیم اردوگو و همچنین کم‌یابی نسخه‌های دیوان حاتم اقتضا می‌کند که با معرفی نسخه گزیده‌ای از دیوان، منتشر شود تا راهی برای محققان و پژوهشگرانی که درباره فارسی‌گویان هند روزگار حاتم را مورد تحقیق و پژوهش قرار می‌دهند، استوار شود.

منابع

۱. آزاد دهلوی، شمس‌العلما مولانا محمد حسین: آب حیات، مطبع کریمی، لاهور.
۲. حسرت موهانی: اردوی معلی، علیگره، نوامبر ۱۹۰۹ م.
۳. زور قادری، دکتر محی‌الدین: سرگذشت حاتم، اداره ادبیات اردو، حیدرآباد، ۱۹۴۴ م.
۴. مصحفی همدانی امروهوی، شیخ غلام: عقد ثریا (تألیف: ۱۱۹۹ هـ/ ۱۷۸۵ م)، مرتبه مولوی عبدالحق (علیگ) و معتمد اعزازی، انتشارات انجمن ترقی اردو، اورنگ‌آباد دکن، جامع برقی پریس، دهلی، ۱۹۳۴ م.
۵. نسخ کلکته‌ای، مولوی عبدالغفور خان بهادر: سخن شعرا، لکهنو، ۱۹۸۲ م.